

آینده پژوهی علمی ایران، تبیین چالش‌های پیش‌رو و چشم‌انداز توسعه علمی کشور تا سال ۱۴۱۴

معصومه محمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

چکیده

یکی از اهداف آرمانی چشم‌انداز توسعه علمی کشور احراز جایگاه علم و فناوری و تحقق اهداف چشم‌انداز در ابعاد علمی، پژوهشی و فناوری است که مستلزم سیاست‌گذاری صحیح و عزم جهاد علمی است. تبیین چالش‌ها و چشم‌انداز توسعه علمی کشور نقش مهمی در آینده جامعه ایران داشته و بررسی این امر خطیر جز با واکاوی چالش‌های موجود و آینده پژوهی مؤثر در جهت توسعه رسالت توسعه علمی کشور امکان‌پذیر نمی‌باشد. هدف از پژوهش حاضر، آینده پژوهی علمی ایران و تبیین چالش‌های پیش‌رو و چشم‌انداز توسعه علمی کشور تا سال ۱۴۱۴ است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که؛ چگونه می‌توان با استناد به اسناد بالادستی کشور به تبیین و بررسی چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه علمی کشور تا سال ۱۴۱۴ پرداخت؟ در پاسخ به این سؤال این فرضیه مطرح می‌شود که با سیاست‌گذاری‌های صحیح و مناسب و آینده‌پژوهی در جهت توسعه علمی کشور می‌توان چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه علمی کشور را مورد تبیین و بررسی قرار داده و آن را در راستای تحقق اهداف توسعه رسالت علمی کشور رهنمود ساخت. برای دستیابی به این هدف با توجه به روش کیفی و با استفاده از منابعی چون اسناد بالادستی و صاحب نظران حوزه علمی کشور تلاش شده اولویت‌بندی چشم‌اندازها و رسالت‌ها و دستیابی به توسعه علمی کشور در نظر گرفته شود.

کلید واژه‌ها: آینده‌پژوهی، توسعه علمی، اسناد بالادستی، چالش، چشم‌انداز.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

محمدی، معصومه (بهار ۱۴۰۳). «آینده‌پژوهی علمی ایران، تبیین چالش‌های پیش‌رو و چشم‌انداز توسعه علمی کشور تا سال ۱۴۱۴». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۲۵، صص ۱۳۰-۱۰۹.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. ایمیل: masomehmohammadi90@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک‌اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز. این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگرایی کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

چشم‌انداز توسعه علمی کشور یکی از مهم‌ترین اهداف در اسناد بالادستی در جهت دستیابی و احراز جایگاه علم و فناوری و تحقق اهداف علمی کشور است. طی سال‌های اخیر توانمندی‌ها و ظرفیت‌های علمی کشور به صورت قابل توجهی رشد نموده است. اما متأسفانه همکاری و مشارکت نهادهای علمی در جهت رفع نیازهای جامعه و توسعه علمی کشور راضی‌کننده نبوده است. بدین منظور برای تبیین چالش‌های پیش رو و آینده پژوهی چشم‌انداز توسعه علمی کشور، بررسی و تحلیل اسناد بالادستی و بررسی سابقه و تاریخچه ارتباط میان نهادهای علمی کشور از جمله اهداف این پژوهش قرار گرفته است تا با توجه به آن به ارائه راهکارها و راهبردها در جهت تغییر و تحول در نحوه همکاری میان نهادهای علمی و مؤسسات پژوهشی گامی مؤثر در راستای توسعه رسالت علمی کشور باشد.

ضرورت رفع نقصان فعالیت‌های علمی در میان نهادهای علمی و تأکید بر گفتمان علم‌گرایی و حرکت به سوی جامعه تمدن‌ساز و فرهنگ پرور از جمله رویکردهای اساسی و چشم‌انداز توسعه علمی کشور بوده است. بر این اساس نهادهای علمی با برآیند پارادایم جامعه تمدن‌ساز و گفتمان علم‌گرایی در حوزه فعالیت‌های اجتماعی و سند چشم‌انداز بیست ساله ایران را تا سال ۱۴۱۴ تعریف می‌کند. که به لحاظ علمی در قدرت اقتصادی بایستی رتبه اول منطقه را احراز کند و رسیدن به چنین قله‌ای الزاماتی را در حوزه‌های مختلف می‌طلبد؛ در حوزه آموزشی عالی کشور ترجمان این الزامات در دو راهبرد جامعه تمدن‌ساز و گفتمان علم‌گرایی به‌عنوان گفتمان غالب خلاصه شده است و برآیند آن در همکاری و تعاملات و رفع نقصان میان نهادهای علمی کشور مؤثر خواهد شد.

بی‌تردید خانواده که اصلی‌ترین نهاد مدنی و علمی کشور است پایه و اساس آموزش، تولید و ترویج پژوهش می‌باشد. در دوران جدید خانواده یک رسالت فرهنگی و اجتماعی را نیز بر عهده گرفته است و آن تربیت شهروند جامعه مدنی و آموزش بهتر زیستن در جامعه است. به واقع خانواده و پس از آن نهاد مدنی جامعه علاوه بر تربیت متخصص باید شهروند متعهد نیز پرورش دهد. در این راستا نهادهایی همانند انجمن‌های علمی، کانون‌های فرهنگی هنری، و ... در مسیر رسالت جدید تشکیل شده‌اند و طبعاً انتظار تمدن‌سازی به این رسالت جدید از خانواده به جامعه مدنی و نهادهای علمی با رسالت ایجاد فضای نشاط‌انگیز علمی در سطح جامعه هم به طور مستقیم و هم غیر مستقیم می‌توانند در ساختن جامعه‌ای تمدن‌ساز نقش آفرین باشند. واژه دانشگاه تمدن‌ساز مفهوم اختیار شده برای نمایاندن تمام عیار الزامات سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزشی عالی کشور خصوصاً در عرصه فرهنگ است. به عبارت دیگر اصطلاح دانشگاه تمدن‌ساز ترجمان ایران ۱۴۱۴ در آموزش عالی است که در آن جمهوری اسلامی با بینش الهام بخش برای جهان اسلام بوده و به لحاظ علمی و اقتصادی رتبه اول را در منطقه از آن خود سازد. بنابراین باید به این امر مهم پرداخت

که؛ نهادهای علمی در سند افق چشم‌انداز چه جایگاهی دارند و در مسیر تحقیق دانشگاه تمدن‌ساز چه نقشی را ایفا می‌کنند.

۲. اهداف پژوهش و پرسش‌های پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، آینده‌پژوهی علمی ایران و تبیین چالش‌های پیش‌رو و چشم‌انداز توسعه علمی کشور تا سال ۱۴۱۴ است. سؤالات پژوهش حاضر این است که:

چگونه می‌توان با استناد به اسناد بالا دستی کشور به تبیین و بررسی چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه علمی کشور تا سال ۱۴۱۴ پرداخت؟
چه چالش‌ها و موانعی در عدم دستیابی به توسعه علمی کشور وجود داشته و چه راهکارهایی برای برطرف نمودن موانع و چالش‌ها وجود دارد؟
نهادهای علمی در سند افق چشم‌انداز چه جایگاهی دارند و چه نهادهایی در مسیر تحقیق جامعه تمدن‌ساز نقشی را ایفا می‌کنند؟

۳. پیشینه پژوهش

آینده‌پژوهی و ترسیم چشم‌اندازها و رسالت‌های علمی کشور، سهم به‌سزایی از پژوهش‌های مربوط به این زمینه را در حوزه نظام آموزش عالی کشورهای پیشرفته به خود اختصاص داده است. چه در داخل کشور و چه در خارج از مرزهای کشورمان نویسندگان بسیاری در خصوص آینده‌پژوهی و بررسی چالش‌های علمی در جهت توسعه رسالت علمی پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند. از نمونه‌های این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش، استوارت و کیث (۱۹۹۶) که به مطالعه ادبیات در زمینه رسالت آموزش عالی در آینده تعدادی از رسالت‌های دانشگاه‌ها را استخراج و مشخص ساختند اشاره نمود.

در این پژوهش و با طراحی پرسشنامه‌ای به نظر خواهی از اعضای هیئت علمی و دانشجویان دانشگاه‌ها به رتبه‌بندی آنها پرداختند و هم‌چنین از آنها خواستند که بیانیه رسالت دانشگاه را بنویسند. آنها دریافتند که تفاوت اندکی در دانشگاه‌های قدیم و جدید در محتوای اساسی رسالت دانشگاه‌ها وجود دارد.

همچنین دانشگاه‌های جدید تمایل و اشتیاق بیشتری به بیانیه رسالت خود و ارزش آن به نسبت دانشگاه‌های قدیمی‌تر داشته‌اند. تحقیق آنها هم‌چنین به این نتیجه انجامید که بیانیه‌های رسالت از

حیث توجه به عملکرد و آنچه که باید انجام گیرد و لحاظ نمودن نظرات ذی‌نفعان دارای قوت‌اند اما در تعریف وضعیت راهبردی دانشگاه و ارائه دیدگاه در زمینه چشم‌اندازی از آینده ناتوان‌اند.

روثمن (۱۹۹۹) به نقل از روثمن و دیگران (۲۰۱۱) در مطالعه پیمایشی آمریکای شمالی از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای، به نظرخواهی از دانشجویان، اعضای هیئت علمی و مدیران در مورد انتخاب یکی از دو چشم‌انداز آموزش عالی (رشد ایده‌های جدید و پاسخ به نیازهای اقتصادی) پرداختند. پژوهش آنها به این نتیجه انجامید که اکثریت اعضای هیئت علمی و مدیران نقش گسترده دانشگاه را رشد ایده‌های جدید می‌دانند. دانشجویان نیز علی‌رغم دغدغه شغلی و استخدامی که داشتند، با این حال، نقش دانشگاه‌ها را رشد ایده‌های جدید دانسته‌اند.

در سؤال دیگری از پیمایش دانشگاهی آمریکای شمالی (۱۹۹۹) از اعضای هیئت علمی و مدیران خواسته شد که در یک طیف هفت درجه‌ای (اصلاً مهم نیست تا اساسی) به هر یک از رسالت‌های آموزش عالی نمره بدهند نتایج نشان داد که دو دسته مدیران و اعضای هیئت علمی بیشترین رأی را به وظیفه فراهم نمودن آموزش عمومی و گسترده به‌عنوان رسالت آموزش عالی داده‌اند و این رسالت بیشترین اهمیت را در هر دو گروه داشته است بعد از آن رسالت‌های آماده نمودن دانشجویان برای استخدام در رده دوم، رسالت یادگیری در مورد فعالیت‌های ادبی کلاسیک (یونانی و رومی) تمدن غربی در رده سوم و در نهایت یادگیری در مورد اهمیت فرهنگ‌های غیر غربی در مرتبه چهارم جای گرفتند (روثمن و دیگران ۱۹۹۹) به نقل از روثمن و دیگران، (۲۰۱۱).

در مطالعات انجام شده توسط بویور و همکاران (۲۰۰۲) به نقل از (مهدی، ۱۳۹۲: ۷۰۱) حداقل هفت روند جامع درباره آینده آموزش عالی و دانشگاه‌ها شناسایی و تبیین شده‌اند. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بازاری شدن آموزش عالی و علم، جهانی شدن بین‌المللی شدن و منطقه‌ای شدن، پیشرفت جامعه شبکه‌ای، پیشرفت جامعه دانش، تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تغییرات جمعیت شناختی مرکز تحقیق و نوآوری آموزشی با حمایت سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۲۰۰۴ تحقیقی را در مورد آینده دانشگاهی انجام داد که در آن نیروهای پیشران کلیدی و چالش‌هایی که برای نظام‌های آموزش عالی به وجود می‌آورد، بررسی و توصیف شد که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از تحولات جمعیت شناختی، میل به مشارکت، تحولات در حوزه حکومت، تحول منابع مالی، اقتصاد دانشی و بازیگران جدید در آموزش عالی (مرکز تحقیق و نوآوری آموزشی، ۲۰۰۶).

نمونه دیگر استفاده از آینده پژوهی در برنامه‌ریزی‌های دانشگاه، تجربه دانشگاه دوبلین می‌باشد. این پروژه در دو بخش سناریوهای محیطی و سناریوهای برنامه دانشگاهی صورت پذیرفته است. در این سناریوها، ذی‌نفعان در یک طرف قضیه به‌صورت دولت، اجتماع و شهروندان و در طرف دیگر، از طریق بازار، فرد و مشتریان عمل می‌کنند و برحسب تقاطع آنها چهار مؤلفه سیاسی، اجتماعی

اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرد. برحسب دو عامل تحرک و باز بودن دانشگاه دو سناریو تعریف شده است؛ در اولی که بیشتر طرف دولت اجتماع و شهروندان است و تحرک و باز بودن نسبتاً کمتر مدنظر قرار گرفته است، دانشگاه باید خاستگاه اجتماعی و نیازهای محلی و مشارکت و هویت را در افق خود قرار بدهد و در سناریوی دوم دانشگاه باید بازار و تحرک و باز بودن بیشتر را منظور کند که مقتضیات رقابتی و جهانی شدن را با خود دارد (مانک و مک کانیل، ۲۰۰۹) در زمینه تجربه آینده پژوهی در آموزش عالی، بلاس و همکاران (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود در آینده آموزش عالی و دانشگاه‌های بریتانیا بر اساس چشم انداز ۲۰۳۵ با بهره‌گیری از روش سناریونویسی، پنج سناریو را مطرح نمودند. پژوهش آنها به این نتیجه انجامید که بازار دانشجویان غیرسنتی دموکراسی و نقش رسانه از روندهای جامع مؤثر بر آینده دانشگاه‌ها می‌باشند. در داخل کشور نیز، گام‌های مهمی در زمینه سیاست گذاری علم و فناوری آموزش عالی و ترسیم جهت آینده دانشگاهی برداشته شده است.

الوانی و مردانی (۱۳۹۱) در پژوهشی به طراحی الگوی توسعه آموزش عالی ایران در افق چشم انداز بیست ساله کشور پرداختند. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در طراحی الگوی توسعه آموزش عالی و بررسی میزان تأثیر گذاری مؤلفه‌های ده گانه بر فرآیند توسعه (ارزشی-دینی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی-سازمانی، جغرافیایی، جمعیتی، زمانی، فناوری، سیاسی و امنیتی) سه عامل مدیریتی-سازمانی، فرهنگی-اجتماعی و جغرافیایی نسبت به دیگر عوامل از اهمیت بیشتری برخوردارند.

قاضی نوری و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی به بررسی اهداف و ابزارهای سیاستی در استاد مرتبط با علم و فناوری پرداختند. در این پژوهش، با روش تحلیل محتوای کیفی، اسناد کلان مرتبط با علم و فناوری کشور شامل سند سیاست‌های کلی علم و فناوری، سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نقشه جامع علمی کشور، سند چشم انداز بیست ساله و برنامه پنج توسعه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اهداف سیاستی ارتقا ظرفیت پژوهش و بهبود عملکرد فناوری و نوآوری، دارای بالاترین فراوانی تکرار بوده‌اند. از منظر ابزارهای سیاستی و بر اساس نوع مداخله دولت، حمایت مالی برای تحرک عرضه و سیاست‌های اصلاحی شرایط کلان، دارای بالاترین فراوانی تکرار بوده‌اند. نتایج این پژوهش هم‌چنین نشان داد که تدوین احکام سیاستس در حوزه علم و فناوری نیازمند استفاده از اهداف و ابزارهای سیاستی متنوع و ترکیب ابزارها برای اثر بخشی بیشتر است.

جامعه ایران که همواره دغدغه توسعه در طی سال‌های اخیر داشته، به نقش اساسی آموزش عالی در این زمینه واقف بوده و به تدوین چشم‌اندازها و رسالت‌های نظام آموزش عالی در قالب منابع بالادستی و در جهت تحقق آرمان‌های سند چشم انداز بیست ساله همت گمارده است. با توجه به کارکردهای سه گانه نظام آموزش عالی (تولید، انتقال و انتشار علم) برخی از صاحب نظران معتقدند

که ایران در حوزه سه کارکرد یادشده حرکت یکسانی نداشته و در مواردی با پیشرفت و سرعت به نسبت بالا و در موارد دیگر با کندی حرکت روبرو بوده است، به طوری که گفته می‌شود نظام آموزش عالی ایران از دو خط مشی تولید علم و به کارگیری علم در جامعه دور افتاده است و تنها بر انتقال علم در قالب گسترش آموزش یا افزایش بیش از حد پذیرش و تربیت دانشجو تأکید کرده است (الوانی و مردانی، ۱۳۹۱) و از سیاست‌گذاری مطلوب در خصوص طراحی یک برنامه درسی اثر بخش به منظور همسو نمودن دانشگاه‌ها با مسائل جامعه و آهنگ تحولات پیشرو جهانی برخوردار نیست.

۴. چارچوب نظری

برای ورود به بحث نیاز به ارائه یک چارچوب جهت تحلیل احساس می‌شود، از این رو قالبی که برای تحلیل موانع توسعه علمی انتخاب گردیده است نهادگرایی است. در رهیافت نهادگرایی اعتقاد بر این است که مطالعه و بررسی نهادهای علمی نقش اساسی در هویت بخشیدن به توسعه علمی کشور را دارد. از این رو نهادگرایی هم به عنوان یک نظریه و هم به عنوان یک روش مطالعاتی خود را مطرح می‌نماید. نهادگرایی به عنوان یک نظریه به ارائه گزاره‌هایی در مورد پیدایش نهادهای علمی و عملکرد آنها می‌پردازد (حقیقت، ۱۳۸۷: ۱۴۰). در این میان با توجه به بحث توسعه باید نظریه توسعه را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار داد و با قرار دادن نظریه نهادگرایی و نظریه توسعه به بررسی موانع و چالش‌های توسعه علمی در کشور و ارائه راهکارهای آن پرداخت.

علی‌رغم تنوع شدید درونی، نقطه تمرکز و تأکید اصلی رویکرد نهادگرایی بر این نکته است که نهادها در شکل‌های متنوع آن، هم بر روندها و هم بر نتایج تأثیر می‌گذارند (کاظمی، ۱۳۹۲: ۲). البته نباید این نکته را فراموش کرد که در سال‌های اخیر با گسترش اختیارات نهادهای علمی و پیشرفت چشم‌گیر علم اما متأسفانه همکاری و توسعه علمی در کشور رخ نداده است. به عبارتی با وجود پیشرفت علم و تکنولوژی در کشور به دلیل قرار نگرفتن علم و نخبگان علمی در جایگاه مناسب علم‌زدگی در میان نهادهای علمی به وقوع پیوسته است. نهادها و ساختارهای موجود در هر کشوری، رفتار کنش‌گران را سمت و سو می‌دهند ولی این بدان معنا نیست که رابطه نهادها و کنش‌گران یک سویه و ایستا است.

تلاش نهادگریان بر این پایه قرار دارد که ذیل ارائه تبیینی از مقوله «تغییر نهادی»، رابطه دوسویه و متقابل نهادها و کنش‌گران و به تبع آن رابطه ساخت نهادی و اجتماعی را تبیین کنند. از اینرو مهم‌ترین عامل تصمیم‌گیر و تأثیرگذار در برنامه‌ها و سیاست‌های علمی و توسعه‌ای کشور سیاست‌گذاری‌های صحیح و نحوه تعامل میان نهادها و کنش‌گران می‌باشد (بدریان، ۱۳۹۴: ۳۲). برای ارائه مفهوم دقیق‌تر از موانع توسعه علمی در کشور سه رویکرد عمده در نظریه توسعه برای تجزیه و تحلیل توسعه یا عدم توسعه علم در جامعه قابل طرح است.

الف. رویکرد برون‌گرا: این رویکرد همواره بر عوامل بیرون از حوزه علم نظر دارد و به نوعی به تعین یا جبریت عوامل بیرونی تأکید می‌کند. این رویکرد واقعیت‌های علمی را دستخوش تعین یا جبریت عوامل ماورای علمی و مشخصاً عوامل اجتماعی می‌داند (توکل، ۱۳۷۰: ۸۲). رهیافت برون‌گرا نهاد علم را تابع نهادها و نظام‌های دیگر جامعه می‌داند. رویکرد برون‌گرا بر یک اصل کلی استوار است و آن این است که عملکرد نهاد علم تابع و وابسته به جهت‌گیری‌های خاص نظری و عملی نهادها و نظام‌های دیگر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (جانعلی زاده، ۱۳۷۵: ۱۲). مطابق این رویکرد برای جست‌وجوی موانع توسعه علمی نیاز است که به حوزه خارج از فضای اجتماعی علم رجوع شود؛ به نظر بلوم با قبول فرض مذکور، فهم ابعاد شناختی و اجتماعی علم تحت تأثیر عوامل خارج از علم میسر است و علم مستقل نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بیرون از خود است (ابراهیمی، ۱۳۷۱: ۳۹). در این دیدگاه علم هم در وجه شناختی و هم در وجه اجتماعی اش باید تماماً یا تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل خارج از خود فهم شود. نظر مزبور جامعه شناسان را اعم از کسانی که همچنین درکی را در ساختار کلی اجتماعی - اقتصادی ریشه‌یابی می‌کنند (از جمله مارکسیست‌ها) و کسانی که ریشه آن را در فرهنگ، هنجارهای کلی جامعه یا ایدئولوژی جست‌وجو می‌کنند (شامل پارسنز و مرتون در اوایل و بعد از مارکسیست‌های جدید) متحد می‌کنند (توکل، ۱۳۷۰: ۶۹-۷۰).

ب: رویکرد درون‌گرا: این رویکرد از دهه ۱۹۶۰ به بعد در حوزه تخصصی جامعه‌شناسی علم پدیدار شد. در این رویکرد، فعالیت علمی در قالب مفهوم اجتماع علمی تحلیل می‌گردد. اجتماع علمی مفهومی محوری در رویکرد درون‌گرا است (شارع پور، ۱۳۸۱: ۶۴). به عبارت دیگر، در این رویکرد مسئله تعین واقعیت‌های علمی که تحت تأثیر عوامل درونی فضای علم قرار دارند مطرح است (جانعلی زاده، ۱۳۸۵: ۲). فرض اساسی در این رویکرد این است که فعالیت‌های علمی که در چارچوب اجتماع علمی صورت می‌گیرند فارغ از عوامل بیرون از اجتماع علمی هستند و جبریت داخلی حکمفرماست. از صاحب نظران برجسته این پارادایم فکری می‌توان به مایکل مولکی و توماس کوهن اشاره کرد.

ج. رویکرد تلفیقی یا ترکیبی (درون‌گرا و برون‌گرا): رویکرد سوم معتقد است که رشد و توسعه علمی تحت تأثیر هر دو دسته از عوامل اجتماعی درون و بیرون اجتماع علمی است. بر اساس رویکرد ترکیبی برای مطالعه تغییر و تحولات علمی باید هر دو نوع عوامل اجتماعی داخل و خارج از اجتماع علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند و جبریت و تعین ناشی از هر دو حوزه هستند و هرگونه تفسیر و توجیه فعالیت‌های علمی بدون در نظر گرفتن یکی از دو حوزه بیرون یا درون

اجتماع، علمی جامع و مانع نیست. از صاحب نظران برجسته در این پارادایم می‌توان به ماکس، شکر رابرت مرتون، گل و محمد عبد السلام اشاره کرد. بر این اساس و با توجه به نظریه توسعه و نظریه نهادگرایی و با توجه به روش کیفی این پژوهش در صدد است با بکارگیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و اسناد بالادستی به پاسخ در خصوص پرسش‌های این پژوهش دست یابد.

۵. موانع توسعه علمی در ایران

از عوامل مؤثر بر توسعه علمی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی آسایش و امنیت به خصوص امنیت فکری و وجود فرصت‌های حمایتی از سوی قدرت فائده سیاسی در جامعه است. با تسلط حوزه سیاسی بر سایر بخش‌ها و حوزه‌ها، پویایی علم در جامعه تنها از یک منطبق، آن هم منطبق تحقق اهداف ایدئولوژیک تبعیت می‌کند و نه از سایر منطبق‌ها هم‌چون منطبق بهینه‌سازی، منطبق سازگاری و منطبق سازگاری اجتماعی؛ افزایش تمرکز قدرت و نابرابری در توزیع قدرت سیاسی و بالتبع کاهش آزادی و خودمختاری افراد با تفکر خلاق و نقاد و تولید علم حداقل در بلند مدت مغایرت دارد از این رو رشد و توسعه سیاسی به‌معنی گسترش توأمان آزادی‌های مدنی و سیاسی و کارایی حکومت در حفظ امنیت شهروندان شرایط را برای رشد و توسعه علمی به‌ویژه در زمینه‌هایی چون علوم انسانی فراهم می‌نماید (چلبی، ۱۳۸۰: ۸).

علوم انسانی در رشد و توسعه جوامع مختلف نقش اولیه و اساسی دارد و آن هم به‌دلیل کارکردهای مهمی است که این علوم از آن برخوردار می‌باشد. با توجه به کارکردهای مهم علوم انسانی در جوامع گوناگون در برخی موارد یک سری از عوامل مانع توسعه این علوم می‌گردند که در این رابطه موانع ساختاری و سیاسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. در برخی مواقع فقدان تناسب میان اهداف سیاسی دولت‌ها و نیازهای واقعی جامعه به عنوان یکی از موانع توسعه علمی جوامع برشمرد می‌شود. بیشتر دولت‌های ایران در پی پاسخ به نیازهای گروه‌های ذی نفع می‌باشند که این امر موجب تعارض و ایجاد مانع در توسعه علمی می‌گردد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۱۴۸). از سوی دیگر برخی مراجع تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سیاستمداران را مانع تولید علم و توسعه علمی می‌دانند. لذا به نظر آنها افزایش آگاهی سیاستمداران توسط اهل علم و تلاش در ارتقاء علمی بسیار مفید و مهم خواهد بود (نوروززاده و رضایی، ۱۳۸۸: ۲۶). در اینجا موانع ساختاری و سیاسی توسعه علمی در ایران را در دو بخش می‌توان دسته‌بندی نمود.

۵-۱. عدم تناسب نظام برنامه‌ریزی توسعه با شرایط علمی فرهنگی و اجتماعی

که شامل موارد زیر است.

کهنگی و ناکارآمدی نظام اداری کشور در بخش‌های مختلف علمی و اجرائی
ضعف سیاست‌های هماهنگ که تداوم و استمرار در برنامه‌های توسعه علمی را ایجاد
می‌کند؛ کمیت‌گرایی در فرایند توسعه علمی؛
وابستگی تام و تمام منابع مالی به دولت و عدم تنوع در آنها؛
نارسایی و ناکارآمدی نظام آموزشی و تربیتی کشور ضعف در جذب و رشد خلاقیت‌ها
عدم رشد تفکر علمی و ...؛
نارسایی نظام اطلاع‌رسانی و عدم دسترسی به منابع علمی روزآمد؛
وجود موانع و تنگناهای قانونی و مقرراتی؛
عدم وجود روند مناسب بین مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی با سازمان‌ها و مراکز اجرایی؛
فقدان به‌کارگیری ارزیابی به‌عنوان یک ابزار یاری دهنده به فرایند مدیریت نظام
آموزش؛
اشتباه دانشگاه‌ها در برتری‌دادن امر آموزش بر پرورش دانشجویان (کازمیان، ۱۳۸۰: ۳۰)؛

۵-۱. ضعف در نگاه ملی دولت مردان به امر توسعه علمی و فناوری

که شامل موارد زیر است:
ضعف در مطالعه و شناخت مزیت‌های نسبی کشور؛
ضعف در سرمایه‌گذاری لازم و متناسب با مزیت‌های نسبی در منابع انسانی کشور؛
عدم تأمین مادی و معیشتی کافی محققان و استادان و دانشجویان و کارکنان؛
ناباوری در سطوح مختلف برنامه‌ریزی اقتصادی نسبت به سرمایه‌گذاری در علم و
خوداتکایی در فناوری؛
ضعف اعتقاد به سرمایه‌ای و نه هزینه‌ای بودن تحقیق در بین مدیران نظام
برنامه‌ریزی و دستگاه‌های اجرایی؛
وجود موانع اداری و دیوان‌سالاری در امر تحقیق؛
ناهماهنگی و عدم انسجام سیاست‌های علمی و پژوهشی به علت تعدد مراجع
سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری و اجرایی؛

تضاد بین نظام آموزش کلاسیک و نظام آموزش مبتنی بر پژوهش در دانشگاه‌ها؛
 ضعف وجود اجتماعات پژوهشی فعال در کشور؛
 غلبه نگاه کمی بر کیفی در توسعه علمی کشور به ویژه در حوزه علوم انسانی؛
 ضعف در نظام شایسته‌سالاری برای مدیریت علمی کشور؛
 عدم هدفمندی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و ائتلاف این سرمایه بزرگ (صادق‌زاده و احمدی‌فر، ۱۳۷۸: ۳۰).

برای سنجش رشد و توسعه علمی علوم انسانی بایستی از یک سری پارامترها و شاخص‌ها استفاده نمود شاخص‌های توسعه علم و فناوری مجموعه‌ای از داده‌های قابل اندازه‌گیری و سازمان یافته هستند که وضعیت و پویایی موقعیت علمی و فن آوری یک کشور اعم از پیشرفت یا افت فعالیت‌های علمی و فن آوری ساخت درونی روابط با دنیای خارج و میزان تحقق اهداف درونی یا بیرونی را نشان می‌دهند این شاخص‌ها که از ملزومات اساسی هر نوع برنامه ریزی و سیاست گذاری به شمار می‌روند در اتخاذ راهبردها و سیاست‌ها و راه کارهای اجرائی اهمیت زیادی دارند همچنین در حل مشکلات بالقوه یا پنهان که در زمینه‌های خاص یا ادامه روند مطلوب پدید می‌آیند برای تصمیم سازان و تصمیم گیران نقش هشداردهنده ای دارند (مرادی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹).

در کنار دولت، نهادهای علمی و اجتماعی نیز هر یک به نحوی در سیاست گذاری و تصمیم سازی‌ها اثر گذار می‌باشند. بنابراین در کنار کنشگران اصلی، در دیگر نهادها و بازیگران تأثیرگذار حضور خواهند داشت تا از رهگذر تحلیل تعاملات و کنش‌های آنها بتوان موانع سیاسی و ساختاری توسعه علمی در حوزه علوم انسانی را یافت. در این چارچوب نقش و جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تدوین قوانین و ایجاد شوراهای یا کمیته‌هایی که در سطوح کلان به سیاست‌گذاری و تدوین مقررات مشغول هستند حائز اهمیت خواهد بود. از آنجا که در دوران جمهوری اسلامی همواره با «تعدد مراکز تصمیم‌گیری» و موازی کاری سازمانی روبرو بوده‌ایم، نهادهای حکومتی و اجتماعی دیگری نیز بر روند توسعه علمی تأثیرگذار می‌باشند که از آن جمله می‌توان به مجلس شورای اسلامی، روحانیت و حوزه‌های علمیه، روشنفکران و نخبگان، شورای نگهبان و ... بسته به میزان کنشگری و اثرگذاری اشاره نمود (سنگی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۰).

عوامل مختلفی دیگری نیز زمینه‌ساز توسعه نیافتگی علم در ایران می‌باشند. از حیث نظری فقدان نظریه پردازان و پارادایم‌سازان برجسته که بتوان آنها و نظریه‌ها یا رهیافت‌هایشان را بنیان گفتمان دانشگاهی شناخت از ملموس‌ترین شاخص‌های این عقب‌ماندگی می‌باشد. همچنین بخشی از این توسعه نیافتگی مربوط به پایین بودن میزان نشر مقالات و کتاب‌های دانشگاهی، تألیفی نوآورانه و خلاق در داخل کشور است. اگرچه مقاله واحد اصلی نشر ایده‌ها و داده‌های علمی نیست اما بی‌شک یکی از ارکان نشر علمی است و بخش مهمی از فعالیت‌های پژوهشی محققان این رشته‌ها در قالب مقاله ارائه می‌شود. نگارش مقاله در ایران از عمومیت و رشد کافی برخوردار نیست؛

بررسی این موضوع به عوامل مختلفی مرتبط است چراکه در اصل به ضعف بنیه این علوم و مشکلات مربوط به ساختارهای اجتماعی و معرفتی و مسائل متعدد نهاد آموزش عالی و دانشگاه در ایران باز می‌گردد (فاضلی، ۱۳۹۶: ۸۱).

با توجه به عدم ارتباط ساختاری این مراکز با یکدیگر در برخی از این مراکز کارها و پژوهش‌های تکراری انجام می‌گیرد. در برخی از مراکز کارها و دخالت‌هایی در علم انجام می‌گیرد که اساساً نه از نظر سازمانی به آنها مربوط می‌شود و نه از نظر توانایی؛ در بیشتر این مراکز هیچ برنامه متفکرانه و حساب شده‌ای درباره وضعیت علم و چگونگی بالا بردن کارکرد آن برای سود رساندن به کل کشور وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین موانع توسعه علمی، نامتناسب بودن ساختار مدیریت حوزه‌های علوم تحقیقات و فناوری است تعدد مراکز تصمیم‌گیری در سطح سیاست‌گذاری کلان، موجب چندپارگی آموزش عالی در بخش‌های دولتی و غیردولتی، افت کیفیت و کاهش بهره‌وری شده است.

۶. نقش نهادهای علمی در مسیر تحقق جامعه تمدن‌ساز و توسعه رسالت علمی کشور

دانشگاه به‌عنوان یک نهاد علمی نقشی اساسی و مهم در مسیر تحقق جامعه تمدن‌ساز و توسعه رسالت علمی کشور با توجه به پیچیده فرهنگی و کانونی مهم، به انتظام اخلاقی و اجتماعی جامعه کمک می‌کند و در جهت بهبود کیفیت زندگی و حفظ و پویایی و نشاط جامعه برای خود مسئولیت‌هایی قایل است. این نهاد بزرگ اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه در عرصه علم و فناوری، جامعه را برای تسلط بر رویدادهای مهم آینده توانمند و مهیا می‌کند (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴: ۱۰). می‌توان سه کارکرد اصلی برای دانشگاه‌ها قائل شد که عبارتند از:

«تولید دانش (پژوهش)»

«انتقال دانش (آموزش)»

«اشاعه و نشر دانش (خدمات)»

از میان این سه کارکرد، تولید دانش مهم‌ترین کارکرد اصلی، به‌طور همزمان عامل تغییر در جوامع نیز هستند زیرا تولید دانش، فناوری نو را ممکن می‌سازد و رشد و گسترش فناوری نوین چهره جامعه را روز به روز از نو می‌آراید. دومین کارکرد اصلی دانشگاه، انتقال دانش تولید شده به نسل‌های جوان به‌منظور تربیت دانش‌آموختگان فرهیخته و تربیت نیروی انسانی متخصص برای جامعه است.

دانشگاه‌ها در جوامع صنعتی نوین نه تنها عامل اصلی تحولات عامل اصلی تحولات علمی و فناوری در بخش‌های اقتصادی تولید (صنعتی و کشاورزی) و توزیع (بازرگانی) و پشتیبانی (خدمات) هستند بلکه منشأ نواندیشی و جنبش‌های اجتماعی-فرهنگی در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه نیز هستند. از سوی دیگر، دانشگاه‌ها به‌طور هم‌زمان تأمین‌کننده نیروی انسانی متخصص برای بخش‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند. سومین کارکرد مهم دانشگاه یعنی اشاعه و نشر دانش در جامعه تنها توسط نیروی انسانی ممکن است. با بررسی کارکردها و رسالت دانشگاه مشخص می‌شود که شالوده‌های تمامی ویژگی‌ها و مشخصه‌های تمدن به خوبی در کارکردهای دانشگاه دیده می‌شود. بنابراین در صورتی که دانشگاه به رسالت خودآگاهی داشته و به وظایف و کارکردهای خویش به خوبی عمل کند، می‌تواند سازنده تمدنی پویا و مستحکم باشد (فاضلی، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

اگر کشوری بخواهد صاحب تمدن شود یا آگاهانه به تمدن‌سازی اقدام کند لازم است در جهت اهداف تعیین شده به‌صورت فعال و در قالب برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت، فرهنگ‌سازی، ساختارسازی حرکت کند. در این راستا یکی از بخش‌های بسیار مهم و تأثیرگذار دانشگاه‌ها هستند. دانشگاه، فرهنگ عمومی کشور را متناسب با تمدن ترسیم شده در همه ابعاد آن و تعریفی که از تمدن ارائه شد، ساخته و بالنده می‌کند. این بالندگی در برون‌داد دانشگاه به‌صورت خرده فرهنگ‌ها در حوزه‌های مختلف صنعتی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دیده می‌شود سپس همه اینها از مجرای فرهنگ عمومی در دراز مدت تمدن را محقق می‌سازند. از طرفی دانشگاه‌ها علاوه بر شکل دهی و بازتولید تمدن‌ها، در پویایی و استمرار آنها نیز نقش اساسی ایفا می‌کنند. دانشگاه در روند اجتماعی کردن، فرهنگ را به سطح عمومی جامع انتقال می‌دهد. در این انتقال، ملت هویت خود را به دست می‌آورد، ملت بی‌هویت، ملتی بی‌ریشه است و خود را در کوران حوادث روزگار گم کرده، مسخ می‌شود، به راحتی مرعوب بیگانگان می‌گردد در کشاکش تهاجم فرهنگی استحاله شده و تمدن خود را از دست می‌دهد دانشگاه به جامعه هویت می‌دهد و در مسیر این هویت‌سازی، حرکت، تلاش و میل به خودکفایی در او ایجاد شده خلاقیت خود را به کار گرفته و از مسیر کارآفرینی توسعه پایدار فراهم می‌شود بر مدار این توسعه پایدار است که تمدن فراهم شده استمرار می‌یابد و مدام پویا و بالنده حفظ می‌شود (محمودزاده، ۱۳۹۲: ۱۵).

جامعه تمدن‌ساز، جامعه‌ای است که در آن دانشگاهی دانش محور و علم‌گراست این دانشگاه در جستجوی ایجاد جهش و جنبش در علم و تولید آن است. در این راستا هم جنبش نرم افزاری لازم است. هم انقلاب فناورانه و سخت افزاری. جنبش‌های نرم‌افزاری تسهیل‌کننده حرکت تمدن‌سازی و روان‌کننده موتور سخت افزاری و به نوعی هدایت بخش آن به سمت افق تمدنی هستند؛ در این مسیر همواره خردگرایی، عقل باوری و دانش محوری از ستون‌های اصلی تمدن‌های مختلف بوده و با اوج و افول آگاهی و معرفت انسانی نسبت به خدا، خود، هستی و طبیعت یا به عبارت بهتر

خداشناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی تمدن‌ها ظهور یا افول کرده‌اند. تمدن بزرگ اسلامی ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ گفتمان علم محوری آغازی بنیادین برای گفتمان تمدن‌ساز انقلاب اسلامی و دانشگاه تمدن‌ساز ایرانی اسلامی است. در جامعه تمدن‌ساز نهاد علمی دانشگاهی گفتمان‌ساز در پاسخ به ابهامات هویتی فرهنگی و تمدنی نضج گرفته از اوضاع متغیر بین‌المللی و شرایط داخلی در عصر جهانی شدن است، گفتمانی که بتواند عامه مردم در داخل سرزمین اسلامی ایرانی را حول محورهای اساسی و بنیادین هویت‌بخش‌شان جمع کند و عرصه‌ای فراهم سازد تا همگان در آن در طی تعاملی مثبت و سازنده به بازی زندگی و تکامل آن بپردازند. ساختن این زمین بازی و تعیین قواعد و معیارهای حاکم بر آن بر عهده قشر دانشگاهی به عنوان کانون فکر و نظریه پرداز تمدنی است (عبیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۹).

نهاد علمی دانشگاه نه تنها دارای نقش و کارکردی درون اجتماعی در پروسه تمدن‌سازی است بلکه عنصر تعیین‌کننده‌ای در رقابت تمدنی در عرصه بین‌المللی و جهانی نیز محسوب می‌شود. این نهاد تأثیرگذار علمی به‌عنوان مغز متفکر تمدن نوین ایرانی-اسلامی در حال شکل‌گیری و رشد باید بتواند در تمامی ابعاد و زمینه‌ها با سایر تمدن‌ها به رقابت بپردازد، لازمه چنین امری نوبه نو شدن مستمر و قبل از آن، آگاهی به این رسالت عظیم است. تمدن مقوله‌ای پویا، بسیار پرتحرک، پرتحول و دائماً در حال تکامل است. عقب افتادگی آغاز مرگ هر تمدن، به خصوص در جهان کنونی است. در چنین شرایطی نقش دانشگاه در تمدن‌سازی و رقابت تمدنی بیش از هر نهاد، ساختار و مؤسسه دیگری است. علاوه بر این دانشگاه، زمینه‌ساز تعالی جامعه برای نیل به مقصود نهایی است. برانگیزاننده عنصر ذهنی به‌عنوان عنصر تکامل بخش و غیر ملموس برای گذار از زندگی مجازی به زندگی حقیقی و پایدار است. در این طریق، دانشگاه تمدن‌ساز با تبیین و تشریح دقیق مأموریت نهایی انسان ابتدا جامعه دانشجویی و دانشگاهی و سپس عموم جامعه را به خودآگاهی رسانیده و به سوی اهداف والای تمدنی تعیین‌شده هدایت می‌کند.

۷. چشم‌انداز و افق‌های توسعه علمی کشور در راستای اسناد بالادستی

با توجه به مدل برنامه‌ریزی راهبردی مورد استفاده در این طرح، لازم است قبل از تدوین راهبردهای تحول در ارتباط مراکز علمی و دستگاه‌های اجرایی اسناد بالادستی مورد بررسی قرار گیرد تا راهبردهایی منطقی و در راستای استراتژی‌های ملی ارائه گردد. از جمله استادی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص توسعه علمی کشور و رسالت
نهادهای علمی

بررسی نقاط ضعف و قوت سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ برای تبیین طرح توسعه علمی کشور تا سال ۱۴۱۴
سیاست‌های کلی علم و فناوری
سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور
قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم تحقیقات و فناوری
قوانین احکام دائمی برنامه‌های توسعه‌ی کشور و بررسی نقاط ضعف و قدرت برنامه‌های قبلی دولت‌ها در جهت توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
برنامه دولت‌های بعدی (سند چشم انداز توسعه ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲).

۷-۱. اهداف کلان

- ۱) مشارکت حداکثری اعضاء هیئت علمی در رفع نیازهای صنعت و جامعه.
- ۲) اجرای ۲۵ درصد پروژه‌های تحصیلات تکمیلی به صورت مستقیم به سفارش صنعت و جامعه.
- ۳) ساماندهی و ایجاد ساختارهای توانمند برای ارتباط عرضه و تقاضای پژوهش و فناوری
- ۴) هم‌افزایی کامل مراکز علمی با دستگاه‌های اجرایی جهت شناسایی و رفع نیازها و چالش‌ها
- ۵) هم‌راستایی برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در وزارت عتف و مراکز تابعه با نیازها و اولویت‌های کشور
- ۶) افزایش متوسط سالانه ۱۰ درصدی حجم قراردادهای ارتباط با جامعه صنعت (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۹۴).

۷-۲. راهبردهای اصلی

- ۱) بهبود و اصلاح ساختار فرآیندها و آئین‌نامه‌های اجرایی
- ۲) تدوین مشوق ای مناب برای دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی
- ۳) هدفمند نمودن پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی در جهت حل مسائل جامعه و صنعت

۴) ارتقاء مهارت‌افزایی و توانمندی دانشجویان و دانش‌آموختگان متناسب با نیازهای صنعت و جامعه در راستای توسعه اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها

۵) سازماندهی جهت حضور مؤثر دانش‌آموختگان در پاسخگویی به نیازهای بازار کار و بهبود بهره‌وری

۶) فرهنگ‌سازی، شناسایی، مستندسازی و ترویج دستاوردها

۷) شناسایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها، اختیارات، امکانات وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی در جهت تسهیل و توسعه همکاری‌های مشترک

۸) سازماندهی، پایش و ارزیابی همکاری‌ها با جامعه و صنعت (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲).

با توجه به گسترش کمی قابل توجه آموزش عالی در دهه‌های گذشته و همچنین در نظر گرفتن شرایط کشور از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... اولویت‌های شناسایی شده در این پژوهش عبارتند از:

۱) انسجام بخشی ساختار سیاست‌گذاری

۲) تبدیل علم به ثروت و قدرت به خصوص از طریق حمایت از پژوهش‌های کاربردی و تقاضامحور

۳) ارتقای کیفیت آموزش عالی از طریق تقویت نظارت و ارزیابی نظام دانشگاهی و خروجی‌های آن، فراهم کردن بستر اجرای آمایش آموزش عالی و بازنگری رشته‌های تحصیلی مبتنی بر نیازها

۴) بسط عدالت آموزشی از طریق بهینه‌سازی سهمیه‌های متنوع و متعدد در کنکور و حذف بومی‌گزینی

۵) توجه به دانش‌جو و نیازهای این قشر، از طریق توجه به رفاه دانشجویی، مسائل فرهنگی دانش‌جو، اصلاح آیین‌نامه‌های آموزشی و تحصیلی و مهارت‌آموزی.

طرح تحول همکاری‌های دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی و فناوری با جامعه و صنعت در جهت ارائه راه‌های جدید برای ایفای نقش مؤثر در توسعه کشور ارائه شده است. راهبردها و برنامه‌های ارائه شده در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سطح کلان و ملی پیگیری و اجرا خواهد شد. همزمان انتظار می‌رود که دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری برنامه‌های اعلام شده را در سطح منطقه‌ای و استانی و در حوزه عملکرد خویش تدوین و به اجرا گذارند. با همکاری مستمر دستگاه‌های اجرایی کشور و به کارگیری اعضای هیات علمی خلاق و فناور، تحولی شگرف در حوزه

ارتباط با جامعه و صنعت دانشگاه‌ها مؤسسات پژوهشی و مراکز فناوری کشور را شاهد باشیم (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۸).

۸. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحثی که ارائه گردید مهم‌ترین هدفی که در سند چشم‌انداز مطرح شده این است که کشور ایران از لحاظ علم و فناوری باید جایگاه اول در سطح منطقه را بدست آورد و از آنجا که علم و فناوری به‌عنوان اصلی‌ترین محورهای توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و رفاهی جوامع انسانی می‌باشد. توجه بیشتری به آن می‌تواند ما را به هدف خود نزدیکتر سازد و با توجه به اینکه دانشگاه به‌عنوان یکی از کانون‌های علم، دانش، و فرهنگ که وظیفه‌اش تولید تبیین و تعمیق علم، معرفت و فرهنگ است از مهم‌ترین مراکز تأثیرگذار در شکل‌گیری و رشد هر تمدنی است. تا بدان حد که می‌توان ادعا کرد دانشگاه‌ها به‌عنوان ستون‌های برپادارنده هر جامعه هستند. با توجه به مطالب عنوان شده تنها راه برون رفت از این شرایط حرکت به سمت تحقق دانشگاه‌های کارآفرین در کشور می‌باشد. با افزایش همکاری بین دانشگاه‌ها و جامعه می‌توان کارهای پژوهشی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور را با نیازهای کشور هماهنگ نمود و رفع مشکلات و چالش‌های ملی را سبب شد. با توجه به مطالب فوق لزوم تدوین طرحی جامع به منظور جهت‌گیری دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به سمت ارتباط مستمر با صنعت و جامعه و رفع نیازهای ملی تولید دانش و تبدیل آن به فناوری ضروری بوده و باید با بهره‌گیری از خرد جمعی، تجارب قبلی و الزامات و شرایط حاکم چنین طرحی را تدوین و با مشارکت بخش‌ها و نهادهای مرتبط به اجرا گذاشت. در این راستا و نیل به توسعه علمی در کشور موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد.

جدی گرفتن علم و تکنولوژی؛

احترام فراوان به حرفه دانشمندی و تکنولوژی مبتنی بر علم؛ اعتبار حرفه علم و

تکنولوژی و وجود امنیت تضمین شده برای آن؛

وجود تعهد عمیق نسبت به علم و تکنولوژی؛

به عهده گرفتن فعالیت‌های علمی توسط افراد برجسته و دانشمندان فعال؛

استقلال نهادهای علمی؛

تعیین یک نهاد به‌عنوان مرجع و منبع تصمیم‌گیری در خصوص نهادهای علمی و

جلوگیری از تکثر تصمیم‌گیری در خصوص نهادهای علمی (وجود اختلافات سیاسی

میان مراجع تصمیم‌گیرنده)

توجه و بازنگری در انتخاب و گزینش اساتید و اعضای هیئت علمی و دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی (نگاهی علم‌گرایانه و ایجاد شرایط نخبه‌پروری در میان دانشگاهیان)

اعطای اختیارات لازم برای توانمندی‌سازی دانشگاه‌ها و طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای علمی

تعامل و ارتباط تنگاتنگ میان سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان طرح‌های علمی کشور تا از برخی ضعف‌ها و تصمیم‌های غیر واقع‌بینانه در اتخاذ سیاست‌ها پرهیز به عمل آید.



منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰)، اندیشه‌نوسازی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابراهیمی، قربانعلی (۱۳۷۱)، «اجتماع علمی و رابطه آن با توسعه علمی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- بدریان، عابد (۱۳۹۴)، «مفهوم و جایگاه سواد علمی در پیشرفت و توسعه پایدار کشور»، نشاء علم، سال ششم، شماره اول، دی ماه، صص ۳۱-۳۷.
- توکل، محمد (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی علم، تهران: انتشارات نص.
- سنگی، لیلا؛ مجاهدی محمد مهدی؛ نبوی، عبدالامیر (۱۳۹۶)، «تبیین موانع سیاسی و ساختاری توسعه علمی ایران در حوزه علوم انسانی»، فصلنامه مطالعه سیاسی، سال دهم، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۹۵-۲۱۶.
- سند چشم‌انداز توسعه ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۴، مصوب ۱۳۸۲.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۹۴)، برنامه ششم توسعه، ابلاغیات مقام معظم رهبری، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۴)، سند دانشگاه اسلامی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۱)، «بررسی عوامل موثر بر فعالیت‌های علمی پژوهشی اعای هیئت علمی دانشگاه‌های شمال»، کتابخانه مرکزی دانشگاه مازنداران.
- جانعلی‌زاده، حیدر (۱۳۷۵)، «بررسی جامعه‌شناختی-تطبیقی وضعیت علم و تکنولوژی در جهان: تبیین وضعیت علم و تکنولوژی بر اساس شاخص‌های اساسی (ده‌گانه) در چهل کشور جهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- چلبی، مسعود؛ معمار، ثریا (۱۳۸۴)، «بررسی عرضی-ملی عوامل کلان موثر بر توسعه علمی»، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۷، صص ۱-۲۳.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷)، روش‌شناسی در علوم سیاسی، چاپ دوم، قم: انتشارات دانشگاه علوم انسانی مفید.
- صادق‌زاده، علیرضا؛ احمدی فر، مهرداد (۱۳۷۸)، «آسیب‌شناسی مدیریت نظام آموزش کشور و تاثیر آن بر وضعیت موجود نظام آموزشی کشور»، ماهنامه مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۵ و ۱۶، صص ۲۶-۳۸.
- عبدی، حمید؛ شاه‌جعفری، ابراهیم؛ نیلی، محمد رضا؛ رجایی‌پور، سعید (۱۳۹۶)، «تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴»، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۸، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۶، صص ۵۹-۸۸.
- فاضلی، نعمت‌زاده (۱۳۹۶)، علوم انسانی و اجتماعی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کاظمیان، پروین (۱۳۸۰)، دانشگاه و چالش‌هایش؛ گفتگو با دانشگاهیان، چاپ اول، تهران: نشر آریا.
- کاظمی، حجت (۱۳۹۲)، «نهادگرایی به‌عنوان الگویی برای تحلیل سیاسی»، پژوهش سیاست‌نظری، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۳، صص ۱-۲۸.
- مرادی مقدم، حسین؛ داوودپناه، محمدرضا؛ دینانی، محمد حسین (۱۳۹۴)، «بررسی الگوی رشد ایران بعد از انقلاب اسلامی»، پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱، صص ۲۸-۴۹.
- نوروز‌زاده، رضا؛ رضایی، ندا (۱۳۸۸)، «توسعه علمی در جمهوری اسلامی ایران؛ ابعاد، موانع و راه‌کارها»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۳۹، صص ۹-۴۶.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۸)، سیاست‌های کلی علم و فناوری، ابلاغیات مقام معظم رهبری، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

Research Article

The future of Iran's scientific research, the explanation of the challenges ahead and the prospect of the country's scientific development until 1414

Masoumeh Mohammadi¹

Date of received: 2024/04/08

Date of Accept: 2024/05/09

Abstract

One of the ideal goals of the country's scientific development vision is to achieve the status of science and technology and realize the goals of the vision in scientific, research and technological dimensions, which requires correct policy making and the determination of scientific jihad. Explaining the challenges and prospects of scientific development of the country has an important role in the future of Iranian society, and investigating this serious matter is not possible except by analyzing the existing challenges and effective future research in the direction of the development of the country's scientific development mission. The purpose of the current research is to study the scientific future of Iran and explain the challenges ahead and the prospects of the country's scientific development until 1414. The main question of the current research is that; How can one explain and examine the challenges and perspectives of the country's scientific development by referring to the country's upstream documents until 1414? In response to this question, this hypothesis is proposed that with correct and appropriate policies and future research in the direction of the scientific development of the country, the challenges and prospects of the scientific development of the country can be explained and investigated and it can be done in line with the realization of the goals. The development of the scientific mission of the country was guided. To achieve this goal, according to the qualitative method and using sources such as high-quality documents and experts in the country's scientific field, it has been tried to prioritize the visions and missions and achieve the scientific development of the country.

Keywords: Future studies, scientific development, upstream documents, challenges, prospects.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Mohammadi, Masoumeh(Spring 2024). "The future of Iran's scientific research, the explanation of the challenges ahead and the prospect of the country's scientific development until 1414 *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media.* Vol. 7, Num. 1, S.No. 25, pp. 109 - 130.

¹. PhD student in Political Sociology, Faculty of Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: masomehmohammadi90@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Azad Aramaki, Taqi (2010), *Modernism in Iran, first edition, Tehran: Tehran University Press.*(in Persian)
- Ebrahimi, Gurban Ali (1371), "Scientific society and its relationship with scientific development", *Master's thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.*(in Persian)
- Badrian, Abid (2014), "The concept and place of scientific literacy in the progress and sustainable development of the country", *Nasha Alam, 6th year, 1st issue, December, pp. 31-37.*(in Persian).
- Tawakkel, Mohammad (1370), *Sociology of Science, Tehran: Nass Publications.*(in Persian)
- Sangi, Leila; Mojahedi Mohammad Mehdi; Nabavi, Abdul Amir (2016), "Explanation of Political and Structural Obstacles to Iran's Scientific Development in the Field of Humanities", *Political Studies Quarterly, 10th Year, Number 38, Winter 2016, pp. 195-216.*(in Persian)
- 20-year development vision document of the Islamic Republic of Iran, 1404, approved 1382.(in Persian)
- Organization of Management and Planning (2014), *Sixth Development Plan, Communications of the Supreme Leader, Tehran: Organization of Management and Planning.*(in Persian)
- Supreme Council of Cultural Revolution (2014), *Sanad of Islamic University, Tehran: Supreme Council of Cultural Revolution.*(in Persian)
- Sharapour, Mahmoud (2008), "Investigation of the factors affecting the scientific research activities of faculty members of northern universities", *Central Library of Mazandaran University.*(in Persian)
- Janalizadeh, Haider (1375), "Sociological-comparative study of the state of science and technology in the world: explanation of the state of science and technology based on ten basic indicators in forty countries of the world", *master's thesis in sociology, Tarbiat Modares University.*(in Persian)
- Chalabi, Massoud; Mimar, Soraya (2014), "A cross-national survey of macro-factors affecting scientific development", *Research and Planning in Higher Education, No. 37, pp. 1-23.*(in Persian)
- Haqiqat, Seyyed Sadegh (2007), *Methodology in Political Science, second edition, Qom: Mofid University of Human Sciences Publications.*(in Persian)
- Sadeghzadeh, Alireza; Ahmadifar, Mehrdad (2008), "Pathology of the country's education system management and its impact on the current state of the country's education system", *Cultural Engineering Monthly of the Supreme Council of Cultural Revolution, second year, numbers 15 and 16, pp. 26-38.*(in Persian)
- Abdi, Hamid; Shah Jafari, Ibrahim; Nili, Mohammad Reza; Rajaipour, Saeed (2016), "Explanation of the future curriculum in line with the realization of the visions and missions of Iran's higher education in the horizon of

- 1404", *Bi-Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies*, Year 8, Number 16, Spring and Winter 2016, pp. 59 -88.(in Persian)
- Fazli, Nematzadeh (2016), *Humanities and Social Sciences in Iran*, first edition, Tehran: Publications of the Research Institute of Cultural and Social Studies.(in Persian)
- Kazemian, Parvin (1380), *University and its challenges; A conversation with academics*, first edition, Tehran: Aria Publishing.(in Persian)
- Kazemi, Hojjat (2013), "Institutionalism as a model for political analysis", *Theoretical Politics Research*, Spring and Summer 2013, No. 13, pp. 1-28.(in Persian)
- Moradi Moghadam, Hossein; Referee, Mohammad Reza; Dayani, Mohammad Hossein (2014), "Investigation of Iran's Growth Pattern after the Islamic Revolution", *Library and Information Research Journal*, 5th Year, Spring and Summer 2014, Number 1, pp. 28-49.(in Persian)
- Norouzzadeh, Reza; Rezaei, Neda (1388), "Scientific development in the Islamic Republic of Iran; Dimensions, obstacles and ways of working", *Social Sciences Research Journal*, Summer 2018, No. 39, pp. 9-46.(in Persian)
- Ministry of Science, Research and Technology (2018), *General Policies of Science and Technology*, Communications of the Supreme Leader, Tehran: Ministry of Science, Research and Technology.(in Persian)



پروفیسر شہناز گل شاہین پور
پیشوا گاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی

برائے
پیشوا گاہ علوم انسانی